

«زن و مطالعات خانواده»

سال دوازدهم - شماره چهل و هشتم - تابستان ۱۳۹۹

ص: ۷۳ - ۹۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۲۰

پیش بینی تعهدناشویی براساس الگوهای ارتباطی: نقش میانجی سبک‌های عشق‌ورزی

آیلار کلاهدوزی پور^۱

وحیده باباخانی^۲

محمد قمری^۳

جعفر پویامنش^۴

چکیده

تعهد از مهم‌ترین مؤلفه‌های ازدواج موفق به شمار می‌رود که بدون آن رابطه زوجین سطحی و ظاهری خواهد بود و در این صورت زوجین نخواهند توانست عمق عشق و صمیمیت را که در سایه وفاداری و تعهد به همسر به وجود خواهد آمد، تجربه کنند. براین اساس پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی تعهدناشویی براساس الگوهای ارتباطی با نقش میانجی سبک‌های عشق‌ورزی انجام شد. روش پژوهش توصیفی-همبستگی بود. به منظور دستیابی به هدف از بین تمام می‌معلمان زن متأهل که در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ در مدارس دولتی شهر تبریز مشغول به تدریس بودند؛ ۲۳۷ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. داده‌ها از طریق پرسشنامه الگوهای ارتباطی (CPQ)، پرسشنامه استاندارد تعهدناشویی (ICD) و الگوهای عشق استرنبرگ جمع‌آوری شدند و با روش آزمون رگرسیون چندگانه از طریق SPSS که از روش معمول حداقل مجذورات برای محاسبه ضرایب مسیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج پژوهش نشان داد بین الگوی ارتباطی سازنده متقابل با تعهدناشویی رابطه مثبت معنادار و بین الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیری با تعهدناشویی رابطه منفی معناداری وجود دارد. همچنین

۱ دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران.

۲ استادیار، گروه مشاوره، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران (مؤلف مسئول) vahideh_babakhan@yahoo.com

۳ دانشیار، گروه مشاوره، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران.

۴ استادیار، گروه روانشناسی، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران.

بر اساس نتایج مشخص شد که بین سبک‌های عشق‌ورزی (صمیمیت، هیجان، تعهد) با تعهدزناشویی رابطه مثبت معناداری وجود دارد و سبک‌های عشق‌ورزی نیز تعهدزناشویی را پیش‌بینی می‌کند. همچنین سبک‌های عشق‌ورزی (صمیمیت، میل، و تعهد) در رابطه بین الگوهای ارتباطی با تعهدزناشویی نقش میانجی دارد. بنابراین با توجه به نقش معنادار الگوهای ارتباطی و سبک‌های عشق‌ورزی در تعهدزناشویی، درمانگران می‌توانند در مشاوره زوج و خانواده به بررسی الگوهای ارتباطی و سبک‌های عشق‌ورزی بپردازند.

واژه‌های کلیدی: الگوهای ارتباطی، تعهد زناشویی، سبک‌های عشق‌ورز

مقدمه

بیشتر روانشناسان، جامعه‌شناسان و آسیب‌شناسان بر نقش و اهمیت سلامت خانواده بر سلامت جامعه تأکید می‌کنند (باستایتس^۱، ۲۰۱۸) و ازدواج و تشکیل خانواده را یکی از مراحل حساس و سرنوشت ساز زندگی انسان می‌دانند (هایوشی^۲، ۲۰۱۵). مسکو^۳ در سال ۲۰۰۹ هر ازدواج موفق را شامل سه رکن اساسی تعهد، جاذبه و تفاهم می‌داند که در این بین تعهد به عنوان دومین عامل، موجب حفظ زندگی زناشویی می‌شود (هو^۴، ۲۰۱۸). تحلیل عشق و تعهد یا به عبارتی عدم تعهدزناشویی یکی از تهدیدهای جدی در ازدواج و روابط زوجین، به شمار می‌رود که ثبات و کیفیت ازدواج را به چالش می‌کشد و موجب بروز پیامدهای منفی روانی، جسمانی، اجتماعی و اقتصادی می‌شود. از نظر دین و اسپانیر^۵ تعهد موجب تغییر یک ارتباط به صورت ارتباطی متقابل می‌شود و همچنین موجب ثبات زناشویی می‌شود. رابطه‌هایی با تعهد بالا، انعطاف پذیری بیشتری نیز دارند و عملاً زوجین زمانی می‌توانند از دگرگونی‌ها و آزمایش‌ها به دور باشند که در کنار یکدیگر احساس امنیت بیشتری داشته باشند (نوريسا و دویس^۶، ۲۰۱۲). واژه تعهد و پایبندی به معنای تصمیم عقلانی است که مستلزم مقید بودن فرد به اعمال خاصی است و یا حالتی مبتنی بر وابستگی عاطفی یا عقلانی بر ایده‌آلی مطلوب (تانج^۷، ۲۰۱۲). تعهدزناشویی (marital commitment)، به معنای این است که فرد همسرش را دوست دارد، به او وفادار است و از همسر دیگری به هر شکل و شمایل که باشد، اجتناب می‌کند (کیت^۸، ۲۰۱۴). آدامس و جونز^۹ (۱۹۹۷) تعهد زناشویی را شامل سه بعد تعهد شخصی (personal commitment)، تعهد اخلاقی (ethical

1. Bastaits
2. Hiyoshi
3. Mosko
4. Hou
5. Dean and. Spanier
6. Norisa, & Davis
7. Tange
8. Kite
9. Adams, & Jones

commitment) و تعهد ساختاری (structural commitment) می‌دانند (تانج، ۲۰۱۲). تعهد شخصی شامل عشق، رضایت و فداکاری است. تعهد اخلاقی مسئولیت پذیری زوجها برای حفظ ازدواج و احترام به آن اشاره دارد؛ و تعهد ساختاری نیز به پیامدهای عاطفی، مالی و اجتماعی خاتمه دادن به روابط زناشویی گفته می‌شود (مومنی، ۲۰۱۵). به عقیده بسیاری از زوج و خانواده درمانگران، شایع‌ترین و مخرب‌ترین مشکلات در ازدواج‌های شکست خورده عدم تعهد زناشویی است (کیت، ۲۰۱۴). از نظر مستر^۱ (۲۰۰۸) و کامپینوس و جانسون^۲ (۲۰۱۳) سطوح بالای تعهد زناشویی با ابراز عشق، سازگاری و ثبات زناشویی، و در نتیجه رضایت زناشویی دارای همبستگی است. نتایج بررسی‌ها نیز نشان می‌دهد تعهد زناشویی پیش‌بینی‌کننده قوی برای طلاق به شمار می‌رود (گاتمان^۳، ۲۰۱۳).

نحوه برقراری ارتباط با همسر در برداشت دیگری از روابطشان و پیش‌بینی الگوهای ارتباطی آنها بویژه در زمان حل و فصل مشکلات و چالش‌های روزمره‌ای که پیش‌روی آنها قرار می‌گیرد، مؤثر است. لاونر^۴ و همکاران (۲۰۱۶) نیز طی پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که رابطه معناداری میان نحوه ارتباط زوجین با یکدیگر و حل مسأله و مشکلات و آسیب‌های ارتباطی وجود دارد. از مدل‌های مطرح شده در زمینه تعاملات در خانواده و نقش آن در سازگاری و رضایت زناشویی زوجین، مدل الگوهای ارتباطی (Communication Pattern) است. الگوهای ارتباطی عملکرد رابطه زوجین را پیش‌بینی می‌کنند و از عوامل مؤثر در بهزیستی فرد هستند (پیکور^۵ و همکاران، ۲۰۱۷).

کریستین و سولاوی^۶ در سال ۱۹۸۴ الگوهای ارتباطی میان زوجین را به سه دسته الگوهای سازنده متقابل (mutual avoidance)، الگوهای اجتناب متقابل (productive pattern)، و الگوی توقع/کناره‌گیری (demand-withdraw pattern) تقسیم می‌کنند (پیکور و همکاران، ۲۰۱۹). در الگوی سازنده متقابل زن و مرد سعی می‌کنند در مورد مشکلات ارتباطی خود بحث و گفتگو کنند، احساساتشان را بروز دهند و برای مشکل ارتباطی پیشنهاد راه حل بدهند و با هم مذاکره کنند. در طی الگوی اجتناب متقابل زن و مرد سعی می‌کنند از بحث کردن درباره مشکل دوری کنند؛ و در الگوی توقع/کناره‌گیری یکی از زوجین درباره مشکل بحث می‌کنند یا بوسیله انتقاد کردن، غر زدن و یا پیشنهاد تغییر دادن دیگری را وادار به بحث درباره مشکل کند در حالی که دیگری می‌خواهد مشکل را تمام کند و از بحث درباره آن اجتناب کند (دنتاتوو^۷، ۲۰۱۴). نتایج پژوهشی نشان داد الگوی تقاضا-کناره‌گیری پیش‌بینی‌کننده نارضایتی زناشویی است. پژوهش‌های بسیاری رابطه و تأثیر الگوهای ارتباطی

1. Masters
2. Kapinus, & Johnson
3. Gatman
4. Lavner
5. Pickover
6. Cristian, & Solvay
7. Dentatoo

را بر سایر متغیرهای مؤثر در روابط زوجین مورد بررسی و تأیید قرار داده‌اند (دهقانی، ۲۰۱۸؛ محمدی، ۲۰۱۶؛ اسکانترا، ۲۰۱۴؛ اسمیت، ۲۰۱۵). هو و همکاران (۲۰۱۸) نیز در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که بیشتر تعارض و نارضایتی‌های زوجین و عدم تعهد زناشویی از سوی عدم بکارگیری الگوهای ارتباطی مؤثر است که معیارهای یکی از طرفین تحقق نمی‌یابد یا اینکه معیارهای یکی از طرفین غیرواقع بینانه و بی‌انعطاف است. در این میان زوج‌ها با دقت بیشتری روابط خود را تحت نظر دارند و این باعث می‌شود آنها بیشتر از ناهماهنگی‌های موجود میان معیارهای خود و آنچه در واقعیت تعاملاتشان وجود دارد آگاه شوند و این کیفیت رفتار و سلامت زندگی زناشویی آنها را متأثر می‌کند.

یکی دیگر از عوامل تعیین کننده تعهد و پویایی‌های روابط زناشویی وجود عشق و کیفیت آن است (گونزاگا، ۲۰۰۶). عشق و عشق‌ورزی (lovemaking) جنبه مهمی از زندگی است (باتس، ۲۰۱۶) که نقش مهمی در حفظ ارتباطات بین فردی نیز دارد (کاراندانگا، ۲۰۱۵). از نظر فریکر سبک‌های عشق‌ورزی بر شناخت‌ها و رفتارهایی که انعکاس‌دهنده رضایت، تعهد و سرمایه‌گذاری در روابط است، تأثیر به‌سزایی دارند (یوسفی، ۲۰۱۱) و اشاره به این امر دارد که چگونه افراد عشق را تعریف می‌کنند یا عشق‌ورزی می‌کنند (دوال، ۲۰۱۲). افراد برای عشق ورزیدن نسبت به همسر خود از یک سبک و روش خاصی استفاده می‌کنند و این سبک متأثر از ارتباط متقابل و مداوم بین زن و شوهر و تعبیری است که از محیط زندگی خود دارند (صادقی، ۲۰۱۴). از نظر استرانبرگ^۸ نظریه پرداز معروف، عشق مرکب از سه بعد صمیمیت (Intimacy)، میل (شور و شوق) (passion)، و تعهد (commitment) است. بعد صمیمیت دارای جنبه هیجانی و عاطفی است بعد میل (شور و شوق) دارای جنبه انگیزشی است و میل شدید همراه با برانگیختگی فیزیولوژی توأم با میل به رابطه جنسی و عطوفت مهرورزانه ایجاد می‌کند. بعد تعهد دارای جنبه شناختی است و شامل تصمیم‌های خودآگاهانه و غیر خودآگاهانه ای می‌شود که فرد برای دوست داشتن دیگری اتخاذ و خود را متعهد به حفظ آن می‌کند (نوريسا، ۲۰۱۲). نتایج پژوهش‌ها نشان می‌

-
1. Skanter
 2. Smit
 3. Gonzaga
 4. Bates
 5. Carandang
 6. Fricker
 7. DeWall
 8. Sternberg
 9. Norisa

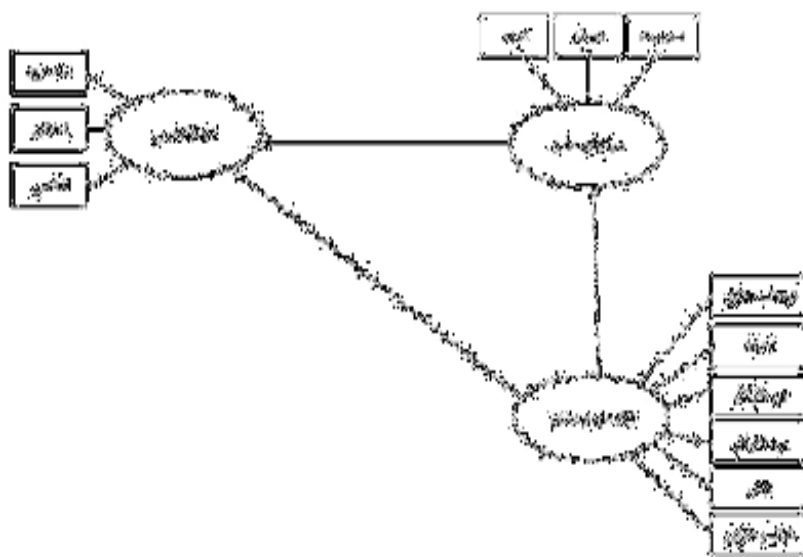
دهد سبک‌های عشق‌ورزی بر روابط زوجین و رضایت از زندگی زناشویی مؤثر است (هاتفیلد و راپسون^۱، ۲۰۱۵؛ حسینی، ۲۰۱۷؛ لاورنس^۲، ۲۰۱۶؛ رافیعی^۳، ۲۰۱۹؛ شکرالله‌زاده، ۲۰۱۶).

با توجه به مطالب و پژوهش‌های فوق و از آنجا که در کشور ما کانون خانواده و ازدواج به دلیل مسائل خاص فرهنگی و ارزشی، اهمیت بیشتری در مقایسه با کشورهای غربی دارد. لذا تلاش برای استحکام و تداوم خانواده و ارضای نیازهای عاطفی و روانی اعضا، بویژه همسران در چارچوب خانواده از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ و وجود مشکلات، تعارض‌ها و نهایتاً از هم‌پاشیدگی خانواده می‌تواند آثار زیانباری بر زوجین، فرزندان و جامعه در مقایسه با سایر کشورها داشته باشد (عابدی، ۱۳۹۵). و از سویی با توجه به نقش زن در خانواده، که بسیار مهم و حیاتی است؛-چرا که در روابط زوجینی یکی از طرفین زن هست و اوست که با شناخت ویژگی‌ها و خصوصیات منحصر به فرد خود و طرف مقابلش می‌تواند بسیاری از موانع و مشکلات را با درایت به موقع حل و بهبود بخشد (نجاتی، ۱۳۸۹). اگر بخواهیم در جامعه خود اولاً از آمار طلاق بکاهیم و ثانیاً آرامش و رضایت بیشتری را به خانواده‌ها بویژه در ارتباط زوجین با هم هدیه نماییم، باید مسائل مهمی مانند الگوهای ارتباطی، سبک‌های عشق‌ورزی و ... توجه کرد؛ بنابراین ضرورت اقداماتی در جهت بهبود روابط زناشویی و خانوادگی و به ویژه افزایش میزان تعهد زناشویی لازم است ابتدا اطلاعات مناسبی درباره این سازها کسب نمود و عوامل تأثیرگذار بر آنها را شناسایی نمود. همچنین درک روابط سازه‌ها می‌تواند نقش مهمی در طرح‌های آموزشی و مداخلات مرتبط با تعهد و رضایت زناشویی داشته باشد. براین اساس یافته‌های پژوهش حاضر که با هدف پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس الگوهای ارتباطی: نقش میانجی سبک‌های عشق‌ورزی انجام شد. می‌تواند به غنای مباحث نظری مرتبط کمک نموده و از طرف دیگر از بعد عملی، متغیرهای موجود کاربرد بیشتری پیدا می‌کنند و می‌توان با برگزاری کارگاه‌ها و جلسات آموزشی، در رشد و بهبود روابط زوجین - حتی با حضور یکی از طرفین - تلاش کرده و این نعمت بزرگ را به خانواده‌ها هدیه داد.

فرضیه‌های پژوهش عبارت بود از:

- بین الگوی ارتباطی (الگوی سازنده متقابل، الگوی اجتناب متقابل، الگوی توقع / کناره‌گیری) با تعهد زناشویی رابطه وجود دارد.
- بین سبک‌های عشق‌ورزی (صمیمیت، هیجان، تعهد) با تعهد زناشویی رابطه وجود دارد.
- سبک‌های عشق‌ورزی (صمیمیت، میل و تعهد) در رابطه بین الگوهای ارتباطی با تعهد زناشویی نقش میانجی دارد.

- الگوی ارتباطی (الگوی سازنده متقابل، الگوی اجتناب متقابل، الگوی توقع/کناره‌گیری) و سبک‌های عشق‌ورزی (صمیمیت، هیجان، تعهد) تعهدزناشویی را پیش‌بینی می‌کنند.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

روش

روش پژوهش حاضر با توجه به موضوع آن، جزء مطالعات توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش را تمامی زنان معلم متأهل که در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ در مدارس دولتی شهر تبریز مشغول به تدریس بودند تشکیل دادند. نمونه آماری پژوهش حاضر ۲۳۷ نفر از معلمان زن متأهل بودند که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. به این صورت که ابتدا از بین نواحی پنجگانه آموزش و پرورش، ۲ ناحیه (ناحیه ۱ و ۳) به صورت تصادفی انتخاب، و پس از انتخاب نواحی مورد نظر و مراجعه به آموزش و پرورش هر دو ناحیه و دریافت تعداد کل معلمان زن متأهل در ناحیه ۱ و ۳ آموزش و پرورش (۶۷۰ نفر) و لیست مدارس حجم نمونه با استفاده از نرم افزار Sample Power تعیین شد. پس از تعیین حجم نمونه (۲۳۷ نفر) بصورت تصادفی ۱۳ مدرسه (۱۳ مدرسه ناحیه ۱ و ۱۳ مدرسه ناحیه ۳) از مقاطع تحصیلی دبستان، دوره متوسطه اول و متوسطه دوم انتخاب و از هر مدرسه ۹-۸ معلم زن بر اساس ملاک‌های مورد نظر که عبارت بود از: دامنه سنی ۵۰-۳۰، طول مدت ازدواج ۷ تا ۲۰ سال، عدم متارکه و فوت همسر، مدرک تحصیلی حداقل لیسانس، و عدم اختلال شخصیتی و روانی که بر اساس مصاحبه با آزمودنی پیش از اجرای آزمون مشخص شد (لازم به ذکر است عدم برخورداری از ملاک‌های ورود موجب

خروج فرد از همکاری در آزمون شد). به عنوان نمونه پژوهش انتخاب و پرسشنامه‌های مورد نظر درباره هر یک از آن‌ها اجرا شد. پس از جمع آوری پرسشنامه‌ها و حذف پرسشنامه‌های مخدوش (۳۷ نفر)، در نهایت پرسشنامه ۱۹۷ نفر از معلمان مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. جهت گردآوری اطلاعات در این پژوهش از ابزارهای زیر استفاده شد:

پرسشنامه الگوهای ارتباطی (Communication Patterns Questionnaire یا CPQ): این پرسشنامه توسط کیرستین و سولاوای^۱ در سال ۱۹۸۴ تهیه شده و دارای ۳۵ سؤال است. پاسخگویی به سؤال‌ها در یک مقیاس ۹ درجه ای لیکرت از ۱ (غیر ممکن است) تا ۹ (خیلی ممکن است) درجه بندی شده است. این پرسشنامه از سه خرده مقیاس تشکیل شده است که عبارتند از: الگوی سازنده متقابل، الگوی اجتناب متقابل، الگوی توقع/کناره‌گیری. تحقیقاتی که از این پرسشنامه استفاده نموده‌اند، روایی و پایایی قابل قبولی را در مورد خرده مقیاس‌های مختلف آن نشان داده‌اند. آلفای کرونباخ بر روی ۵ مقیاس CPQ در پژوهش بتمن^۲ و همکاران (۱۹۹۸) از ۰/۴۴ تا ۰/۸۵ گزارش شده است. در پژوهش صمدزاده و همکاران (۲۰۱۳). آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۷۶ گزارش شده است. همچنین آن‌ها روایی همگرایی پرسشنامه و مقیاس‌های آن را از ۰/۳۰ تا ۰/۹۵ گزارش کردند. در پژوهش حاضر نیز پایایی ترکیبی متغیر الگوهای ارتباطی محاسبه و ۰/۷۶ بدست آمد که نشان دهنده پایایی مناسب این پرسشنامه است. همچنین روایی سازه برای الگوی اجتناب متقابل، الگوی سازنده متقابل، و الگوی توقع/کناره‌گیری به ترتیب ۰/۳۶، ۰/۳۵ و ۰/۹۱ بدست آمد.

پرسشنامه استاندارد تعهد زناشویی (Inventory Dimensions of Commitment یا ICD): این پرسشنامه توسط آدامز و جانز^۳ در سال ۱۹۹۷ تهیه شده و سه بعد تعهد زناشویی تعهد شخصی، تعهد اخلاقی، و تعهد ساختاری، را اندازه گیری می‌کند. پاسخ‌گویی به سؤال‌ها بصورت ۵ گزینه از (کاملاً مخالف = ۱ تا کاملاً موافق = ۵) تنظیم شده است. حداقل برای هر خرده مقیاس ۳۵ و حداکثر ۱۱۰ نمره است آدامز و جانز میزان پایایی هر یک از مقیاس‌های این آزمون را بر روی نمونه مذکور به این شرح به دست آورده‌اند: تعهد شخصی ۰/۹۱، تعهد اخلاقی ۰/۸۹ و تعهد ساختاری ۰/۸۶ (آدامز و جانز، ۱۹۹۷). در پژوهش عباسی مولید (۲۰۰۹). میزان آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه، ۰/۸۵ بدست آمده است، در این پژوهش آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های تعهد شخصی ۰/۶۶، تعهد اخلاقی ۰/۷۶، تعهد ساختاری ۰/۷۸ و برای کل پرسشنامه ۰/۸۷ به دست آمده است. در پژوهش حاضر نیز پایایی ترکیبی متغیر تعهد زناشویی محاسبه و ۰/۹۳

1. Christensen, & Sullaway
2. Batman
3. Adams, & Jones

بدست آمد که نشان دهنده پایایی مناسب این پرسشنامه است. همچنین روایی سازه برای مؤلفه‌های تعهد اجباری، تعهد به ازدواج، تعهد به همسر به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۹۳، و ۰/۹۱ بدست آمد.

الگوهای عشق استرنبرگ (Triangular inventory of love Sternberg): این پرسشنامه در سال ۱۹۸۶ توسط استرانبرگ ساخته شد. دارای ۴۵ سؤال و ۳ خرده مقیاس صمیمیت، هیجان و تعهد می باشد. پاسخ به سؤال‌ها به صورت ۹ گزینه (اصلاً= ۱ تا به طور کامل= ۹) تنظیم شده است. حداقل برای هر خرده مقیاس ۱۵ و حداکثر ۱۳۵ نمره است استنبرگ اعتبار این پرسشنامه را ۰/۹۰ ذکر کرده است هدایتی دانا و صابری (۲۰۱۵) نیز در پژوهشی، ضریب همسانی درونی بین سؤال‌ها در مورد آزمون را با استفاده از ضریب آلفا برابر با ۰/۹۸ و برای مؤلفه‌های صمیمیت ۰/۹۸، میل ۰/۹۷، و تعهد ۰/۹۲ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر نیز پایایی ترکیبی متغیر سبک‌های عشق‌ورزی محاسبه و ۰/۹۳ بدست آمد که نشان دهنده پایایی مناسب این پرسشنامه است. همچنین روایی سازه برای مؤلفه‌های تعهد اجباری، تعهد به ازدواج و تعهد به همسر به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۹۳، و ۰/۹۱ به دست آمد.

یافته‌ها

در این بخش ابتدا اطلاعات آمار توصیفی ارائه شده و سپس اطلاعات آماراستنباطی برای بررسی فرضیه‌های پژوهش بیان می‌گردد. در بررسی اطلاعات جمعیت شناختی مشخص شد دامنه سنی معلمان با میانگین و انحراف معیار (۳۸±۱۲) می باشد. ۱۳۸ نفر (۷۰ درصد) دارای سطح تحصیلی لیسانس و (۳۰ درصد) کارشناسی ارشد ۵۹ نفر بودند. آزمودنی‌ها به مدت ۷ الی ۲۰ سال با میانگین زمانی ۱۱ سال زندگی مشترک داشتند. جدول ۱ میانگین و انحراف معیار متغیرهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد نمرات نمونه‌های مورد مطالعه در متغیرهای پژوهش

متغیر	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار
الگوی اجتناب متقابل	۳	۲۷	۱۳/۹۴	۴/۴۳
الگوی سازنده متقابل	-۲۵	۲۳	۵/۱۷	۱/۵۷
الگوی توقع/کناره گیری	۶	۵۴	۲۸/۱۵	۹/۴۸
سبک عشق ورزی صمیمیت	۱۵	۱۳۵	۱۰۲/۵۱	۲۳/۴۳
سبک عشق ورزی هیجان	۱۵	۱۳۵	۹۴/۳۶	۲۴/۸۵
سبک عشق ورزی تعهد	۱۵	۱۳۵	۱۰۸/۱۴	۲۵/۵۵
تعهد زناشویی	۴۰	۱۲۴	۸۸/۵۶	۱۵/۶۳
تعهد اجباری	۳۶	۱۰۶	۷۸/۶۳	۱۴/۴۱
تعهد به ازدواج	۲۷	۴۹	۳۵/۵۶	۳/۹۳
تعهد به همسر	۲۱	۴۱	۳۱/۴۰	۳/۲۱

n=۱۹۷

همانطور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، در نمونه مورد مطالعه میانگین (انحراف معیار) معلمان در الگوهای ارتباطی اجتناب متقابل ۱۳/۹۴ (۴/۴۳)، الگوی سازنده متقابل ۵/۱۷ (۱/۵۷)، الگوی توقع/کناره‌گیری ۲۸/۱۵ (۹/۴۸)، در سبک‌های عشق‌ورزی صمیمیت ۱۰۲/۵۱ (۲۳/۴۳)، هیجان ۹۴/۳۶ (۲۴/۸۵)، تعهد زناشویی ۸۵/۵۶ (۱۵/۶۳)، تعهد اجباری ۷۸/۶۳ (۱۴/۴۱)، تعهد به ازدواج ۳۵/۵۶ (۳/۹۳)، تعهد به همسر ۳۱/۴۰ (۳/۲۱) می‌باشد.

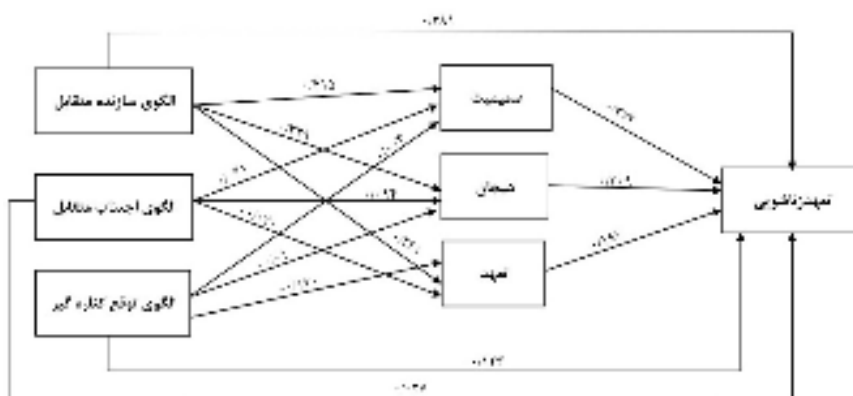
جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای مشاهده شده در زنان

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱. الگوی سازنده متقابل	۱						
۲. الگوی توقع/کناره‌گیری	-.۱۴۴*	۱					
۳. الگوی اجتناب متقابل	-.۱۶۸*	-.۳۳۷**	۱				
۴. صمیمیت	-.۴۰۹**	-.۱۸۹**	-.۰۳۵	۱			
۵. هیجان	-.۳۱۹**	-.۱۴۱*	-.۰۳۷	-.۷۸۰**	۱		
۶. تعهد	-.۳۰۲**	-.۲۱۰**	-.۰۲۵	-.۷۲۲**	-.۶۹۱**	۱	
۷. تعهد زناشویی	-.۳۸۱**	-.۱۲۳	-.۰۲۷	-.۴۷۱**	-.۴۳۱**	-.۴۲۶**	۱

۰/۰۵ < P < * ۰/۰۱

**P <

براساس یافته‌های جدول ۲، بین الگوهای ارتباطی (ارتباط الگوی سازنده متقابل)، و سبک‌های عشق-ورزی (صمیمیت، هیجان، تعهد) با تعهد زناشویی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. اما بین الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیری با تعهد زناشویی رابطه منفی معنادار وجود دارد.



شکل ۲: ضرایب مسیر در مدل

جدول ۳. ضرایب رگرسیون استاندارد و مقادیر تی اثرات مستقیم متغیرها

t	B	رابطه متغیرها
۵/۵۲۸**	۰/۴۱۵	الگوی سازنده متقابل ← صمیمیت
۰/۴۵۴	۰/۰۳۱	الگوی اجتناب متقابل ← صمیمیت
۰/۰۵۸	۰/۰۰۴	الگوی توقع/کناره گیری ← صمیمیت
۴/۲۳۱**	۰/۳۲۹	الگوی سازنده متقابل ← هیجان
۱/۳۲۶	۰/۰۹۴	الگوی اجتناب متقابل ← هیجان
-۰/۱۲۸	-۰/۰۱	الگوی توقع/کناره گیری ← هیجان
۳/۳۲۱**	۰/۲۶۱	الگوی سازنده متقابل ← تعهد
-۱/۱۸۷	-۰/۰۷۰	الگوی اجتناب متقابل ← تعهد
-۱/۴۶۷	-۰/۱۲۰	الگوی توقع/کناره گیری ← تعهد

**P < .۰۱ *P < .۰۵

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود اثر مستقیم الگوی ارتباطی سازنده متقابل بر سبک‌های عشق‌ورزی صمیمیت ($\beta=۰/۴۱۵$)، هیجان ($\beta=۰/۳۲۹$)، و تعهد ($\beta=۰/۲۶۱$) به ترتیب در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

جدول ۴. ضرایب رگرسیون استاندارد و مقادیر تی اثرات مستقیم متغیرها

t	B	رابطه متغیرها
۲/۵۰۱*	۰/۲۷۴	صمیمیت ← تعهدزناشویی
۲/۸۰۱**	۰/۳۰۹	هیجان ← تعهدزناشویی
۲/۲۰*	۰/۱۹۷	تعهد ← تعهدزناشویی

**P < .۰۱ *P < .۰۵

با توجه به یافته‌های جدول فوق، مشاهده می‌شود که اثر مستقیم سبک‌های عشق‌ورزی در ابعاد صمیمیت ($\beta=۰/۲۷۴$)، هیجان ($\beta=۰/۳۰۹$) و تعهد ($\beta=۰/۱۹۷$) بر تعهدزناشویی به ترتیب در سطح ۰/۰۵، ۰/۰۱ و ۰/۰۵ معنادار است.

جدول ۵. اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل الگوهای ارتباطی بر تعهدزناشویی

t	B	اثرات	رابطه ها
۶/۲۶۳**	-۰/۲۹۱	مستقیم	
۲/۲۵*	-۰/۰۶۵	غیرمستقیم	الگوهای ارتباطی ← سبک های عشق ورزی ← تعهد زناشویی
۶/۷۵۶**	-۰/۳۵۶	کل	

**P < .۰۱ *P < .۰۵

با توجه به جدول ۵، الگوهای ارتباطی بطور معنادار دارای اثر مستقیم $\beta = -0/291$ در سطح $0/01$ ، اثر غیرمستقیم $\beta = -0/065$ در سطح $0/05$ ، و اثر کل $\beta = -0/356$ در سطح $0/01$ بر تعهد زناشویی می باشد.

بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس الگوهای ارتباطی با توجه به نقش میانجی سبک‌های عشق‌ورزی بود. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که بر اساس فرضیه اول بین الگوی ارتباطی سازنده متقابل با تعهد زناشویی رابطه مثبت معنادار و بین الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیری با تعهد زناشویی رابطه منفی معناداری وجود دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های پیشین (دهقانی، ۲۰۱۸؛ محمدی، ۲۰۱۶؛ اسکانتز، ۲۰۱۴؛ اسمیت، ۲۰۱۵) همخوان است. در تبیین این یافته می‌توان گفت: الگوی ارتباطی سازنده متقابل به صورت طبیعی به دلیل افزایش احتمال حل مسأله و کاهش احساسات منفی ناشی از ناتمام ماندن حل مشکلات، کیفیت روابط بین زوجین و در نتیجه تعهد زناشویی را بهبود ببخشد. بنابراین، طبیعی است زوجینی که از ارتباطی سازنده بصورت متقابل برخوردارند و به گونه منطقی به دور از توقعات بی جا و همچنین اجتناب غیرمنطقی از بحث و تعارض، با هم ارتباط دارند، از تعهد زناشویی بالاتری نیز برخوردار باشند. در الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیری که به دوشکل توقع مرد/زن کناره‌گیری و توقع زن/مرد کناره‌گیری است با افزایش یکی، دیگری افزایش می‌یابد و تشدید کشمکش‌های زناشویی را به دنبال دارد. نتیجه کشمکش‌ها و درگیری‌های زناشویی سرد شدن روابط زوجین و از بین رفتن علاقه‌ها و همدلی‌ها و کاهش بهداشت روان در میان آنها می‌شود. همانطور که هافنر و همکاران (۲۰۰۶) دریافتند الگوی توقع/کناره‌گیری با سلامت زوجها ارتباط منفی دارد. اگر در روابط زوجین مرد از همسر خود توقع داشته باشد و زن کناره‌گیری کند و در ارتباط مرد حرف اول و آخر را بزند، میزان همدم طلبی بین آنها کاهش می‌یابد، و به سمت دوری‌گزینی می‌روند، چراکه وقتی در رابطه زن بی اهمیت جلوه نماید، میزان همدم طلبی کاهش می‌یابد و به سوی فاصله از همسر پیش می‌رود و در نتیجه میزان صمیمیت میان آنها نیز کاهش و عدم تعهد زناشویی افزایش می‌یابد.

یافته دیگر پژوهش نشان داد که بر اساس فرضیه دوم بین سبک‌های عشق‌ورزی (صمیمیت، هیجان، تعهد) با تعهد زناشویی رابطه مثبت معناداری وجود دارد و سبک‌های عشق‌ورزی نیز تعهد زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش (هاتفیلد و راپسون، ۲۰۱۵؛ کریمیان، ۲۰۱۱؛ لاورنس، ۲۰۱۶؛ شکرالله‌زاده، ۲۰۱۶) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت: افراد که در سبک عشق‌ورزی خود به تناسب دارای هر سه جزء صمیمیت، هیجان و تعهد هستند، از رابطه آرمانی برخوردارند. در این حالت فرد همسر خود را به عنوان یک انسان دوست دارد و برای او احترام قایل است و به او متعهد است. از طریق برقراری ارتباط صحیح با او احساس نزدیکی می‌کند، رفتار دوستانه، رفاقت‌آمیز، محبت‌آمیز و مراقبت‌آمیز دارد. روابط جنسی همراه با وفاداری و اوج لذت بدون احساس گناه تجربه می‌شود و به طور کلی این عوامل

به رضایت زناشویی بالا و در نتیجه تعهدزناشویی در چنین افرادی منجر می شود. بنابر پژوهش لوی ۱ و دیویس در سال ۱۹۸۸ سبک‌های عشق‌ورزی رمانتیک و فداکارانه با گزارش زوج از ویژگی‌های رابطه متعهدانه مرتبط هستند. در واقع، سبک رمانتیک و فداکارانه در ویژگی تعهد مشترکند که این جنبه در رضایت زناشویی، تعهد و ثبات زناشویی دارای نقش ویژه است (مکنولتی، ۲، ۲۰۱۳). یافته‌های پژوهشی نیز نشان می‌دهد که سبک عشق رمانتیک و فداکارانه ارتباط مثبتی با کیفیت زندگی زناشویی دارد (یوسفی، ۲۰۱۱). فریکر و مور ۳ مطرح می‌سازد که سبک عشق‌ورزی فداکارانه به طور مثبت با رضایت و تعهدزناشویی رابطه دارد. در سبک عشق‌ورزی رمانتیک که عشق توأم با میل شدید بدنی به معشوق وجود دارد (نتو، ۴، ۲۰۰۱). ایجاد رابطه متعهدانه و بدون نیاز به جستجوی شور و هیجان از جای دیگر را تسهیل می‌کند (هندریک، ۵، ۱۹۹۸). بنابراین افراد با سبک عشق‌ورزی رمانتیک به دلیل سطوح بالاتر رضایت و تعهد، کمترین احتمال در درگیر شدن در روابط فرازناشویی را دارند (یوسفی، ۲۰۱۱). در سبک عشق فداکارانه، منطق بر هیجان برتری دارد و نوع دوستی از ویژگی‌های بارز آن است که موجب می‌شود عاشق، نیازهای معشوق را بر نیازهای خود مقدم بداند (فریکر و مور، ۲۰۰۶). افرادی که با این سبک تعریف می‌شوند، خود را بدون انتظار متقابل موظف به عشق‌ورزی می‌دانند و عشق‌ورزی آنها بیشتر به دلایل عاطفی است که ماهیتی آرام و مراقبت‌کننده دارد (هندریک، ۱۹۹۸). بنابراین سبک عشق فداکارانه، عشقی غیر مشروط و توأم با انعطاف‌پذیری است که با تعهد همراه است (نتو، ۲۰۰۱). همچنین بر اساس فرضیه سوم یافته‌ها نشان داد سبک‌های عشق‌ورزی (صمیمیت، میل، و تعهد) در رابطه بین الگوهای ارتباطی با تعهدزناشویی نقش میانجی دارد. نتایج پژوهش دهقانیان نشان می‌دهد سبک‌های عشق‌ورزی دوستانه و فداکارانه بطور معنادار قادر به پیش‌بینی معکوس خیانت زناشویی و سبک‌های عشق‌ورزی رمانتیک و شهوانی بطور معنادار قادر به پیش‌بینی مستقیم خیانت زناشویی می‌باشند (دهقانی، ۲۰۱۸). در تبیین این یافته که سبک‌های عشق‌ورزی با افزایش تعهدزناشویی همراه است با مرورپیشینه پژوهش میتوان گفت احساس عشق، هیجانی است که با تحریک شهوانی همراه می‌شود، اما برخورداری از عشق اصیل و واقعی در رابطه، مستلزم وجود صمیمیت، تعهد و به کارگیری خرد است که به دنبال ارضای میل نیز می‌تواند ایجاد شود. به طور کلی می‌توان گفت فردی که میزان صمیمیت بالاتری را تجربه می‌کند قادر به عرضه مطلوب تر خود در روابط با شریک زندگی خود است و می‌تواند نیازهای خود را به شکل مؤثرتر به شریک و همسر خود ابراز کند. برقراری ارتباط صمیمی، انتقال احساسات و افکار و بیان نیازها، راه حل مشکلات در روابط زوجین است. زن و شوهر، زمانی به رضایت و تعهدزناشویی دست می‌یابند که به اندازه کافی در

1. Levy
2. McNulty
3. Fricker, & Moore
4. Neto
5. Hendrick

ارتباطشان با یکدیگر صمیمی و در حل مشکلاتی که در زندگی وجود دارد، با یکدیگر همکاری کنند (اسر۱، ۲۰۱۴). هوک ۲ و همکاران (۲۰۰۳) در پژوهشی شیوه های متفاوتی در ابراز صمیمیت زنان و مردان وجود دارد. به این صورت که زنان صمیمیت را به صورت عشق، عاطفه و ابراز احساسات گرم نشان می دهند، در حالی که مردان صمیمیت را بیشتر مشارکت در فعالیت ها، نزدیکی بدنی، صمیمیت در گذراندن وقت و رفتارهای جنسی می دانند. از سویی وجود تعهد در رابطه موجب شکل گیری اعتماد و اطمینان می شود. تعهد به زوجین اجازه می دهد تا به طور مؤثری در برابر خواسته های یکدیگر انعطاف داشته باشند (پاترسون، ۲۰۰۲).

بطور کلی نتایج نشان داد الگوهای ارتباطی و سبک های عشق ورزی در تعهدناشویی، نقش معناداری دارند. از محدودیت های پژوهش استفاده صرف از پرسشنامه خودسنجی جهت سهولت در انجام پژوهش و محدود بودن نمونه به زنان شاغل در آموزش و پرورش شهر تبریز که تعمیم پذیری نتایج را محدود می سازد. همچنین امتناع افراد گروه نمونه از پاسخگویی به همه سؤال های پرسشنامه ها به دلیل بار فرهنگی بعضی از جملات و کلمات موجب شد زمان زیادی صرف جمع آوری پرسشنامه ها گردد و با افت آزمودنی در پژوهش مواجه باشیم. بنابراین پیشنهاد می شود پژوهش مشابه پژوهش حاضر در جامعه بالینی زنان (زوجین) مراجعه کننده به مراکز مشاوره خانواده و یا زوجین دارای روابط فرازنشویی انجام شود. پژوهش های مشابه در جوامع دیگر با فرهنگ دیگر نیز انجام شود. با توجه به اینکه استفاده از پرسشنامه های دیگر در متغیرهای الگوهای ارتباطی و سبک های عشق ورزی می تواند نتایج متفاوتی در وجود یا عدم وجود رابطه با تعهدناشویی و همچنین شدت رابطه به بار آورد، پیشنهاد می شود از پرسشنامه های دیگر الگوهای ارتباطی مانند الگوهای ارتباطی خانواده (کوئنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲)، الگوی ارتباطات خانواده (ریچی و فیلتر پاتریک، ۱۹۹۰)، و سبک های عشق ورزی مانند سبک های عشق (هندریک و هندریک، ۱۹۸۶)، سبک های عشق ورزی (لی، ۱۹۸۶)، استفاده شود. به مشاوران درمانگران زوج و خانواده، پیشنهاد می شود مداخلاتی در زمینه افزایش و بهبود الگوهای ارتباطی، سبک های عشق ورزی انجام شود تا تعهدناشویی افزایش یابد. به درمانگران متخصص در حوزه خانواده پیشنهاد می شود در مداخلات مربوط به عدم تعهدناشویی، الگوهای ارتباطی را مورد بررسی قرار داده و بوسیله سبک های عشق ورزی در جهت افزایش تعهدناشویی اقدام کنند.

References

Abbasi Mulid, H. (2009). **The Effect of Group Reality Therapy Training on Couples' Commitment to Khomeini Shahr City.** (M.A Thesis), Isfahan University. [In Persian]

Abedi, S.(2016). The relationship between sensation seeking and quality of the marital relationship with the attitude to marital infidelity. M.A Thesis, **Islamic Azad University, Science and Research Branch Zanjan.** [In Persian]

Adams, J. M., & Jones, W.H. (1997). The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. **Journal of Personality and Social Psychology**, 72, 1177-1196.

Bastaits, K., Pasteels, I., & Mortelmans, D. (2018). How do postdivorce paternal and maternal family trajectories relate to adolescents' subjective well-being? **Journal Adolesc**, 64, 98- 108.

Bates, C., Terry, L., & Popple, K. (2016). Importance of Romantic Love to People with Learning Disabilities. **British Journal of Learning Disabilities**, 45(1), 64-72.

Carandang, M. N. S., & Guda, I.V.P. (2015). Indicators of Marital Satisfaction of Batangueño Couples: Components of Love and the Other External Factors in Marriage. I. **International Journal of Information and Education Technology**, 5(1), 60-67.

Dehghanian, N. (2018). Predicting Marital Infidelity of Married Couples Based on the Role of Family Communication Patterns and Love Styles. **The 5th National Conference Modern researches in the field of educational sciences and psychology** (with participatory culture approach). [In Persian]

Dentatoo, B. (2014). **How do I love thee? Let me consult my prototype.** CA:Sage Publications.

DeWall, C. N., Masten, C. L., Powell, C., Combs, D., Schurtz, D. R., & Eisenberger, N.I. (2012). Does the pain of rejection depend on attachment style? An fMRI study. **Social Cognitive and Affective Neuroscience**, 7, 184-192.

Esere, M. O., Yeyeodu, A., Oladun, C. (2014). Obstacles and suggested Solutions to Effective Communication in Marriage as Expressed by Married Adults in Kogi State, Nigeria. **Journal of Procedia-Social and Behavioral Sciences**, 114, 134-132.

Fricker, J. M., S. (2006). Relationship satisfaction: the role of love styles and attachment styles. **A Peer-Reviewed Electronic Journal**, 7(11), 182-204.

Gatman, C. T. (2013). **Intimacy, attachment style and shame in married couples**. (PhD thesis), Marshall University.

Gonzaga, G. C., Keltner, D., Londhal, E. A., & Smith, M. D. (2006). Love and commitment in romantic relations and friendship. **Personality and social psychology**, 81(2), 247- 264.

Hatfield, E., & Rapson, R. L. (2015). Love and sex after 50. **The International Encyclopedia of Human Sexuality**, 649-719.

Hedayati Dana, S., & Saberi, H. (2015). Predicting Marital Satisfaction According to Love-Making Styles (Intimacy, Desire, Commitment) and Anxiety. **Journal of Family Research**, 10(4), 511-527. [In Persian]

Heffner KL, K.-G. J., Loving TJ, Glaser R & Malarkey WB. (2006). Older spouses 'cortisol responses to marital conflict: Associations with demand/withdraw communication patterns. **Journal of Behavioral Medicine**, 29(4), 317–325.

Hendrick, C., Hendrick, S. S. & Dicke, A. (1998). The love attitudes scale: Short form. **Journal of Social and Personal Relationships**, 15, 147-159.

Hiyoshi, A., Fall, K., Netuveli, G., & Montgomery, S. (2015). Remarriage after divorce and depression risk. **Soc Sci Med**, 141, 109-114.

Hook, M. K., Gerstein, L. H., Detterich, L., & Gridley, B. (2003). How close are we? Measuring intimacy and examining gender differences. **Journal of Counseling & Development**, 31, 412-433.

Hosseini, F., & Alavi Langeroodi, S.K. (2017). Role of Attachment Styles and Marital Satisfaction on Sexual Satisfaction through Mediation of Love

among Married Psychology Students of Yazd Azad University. **Journal of Women Social and Psychological Studies**, 15(3), 165-188. [In Persian]

Hou, Y., Feng Jiang, F., & Wang, X. (2018). Marital commitment, communication and marital satisfaction: An analysis based on actor-partner interdependence model. **International Journal of Psychology**, 54(3), 369-376.

Kapinus, C. A., & Johnson, M. P. (2013). The utility of family lifecycle as atheoretical and empirical tool commitment and family life-cycle stage. **Journal of Family Issues**, 24(2), 155-184.

Karimian N, K. Y., Bahmani, B. (2011). The Relationship of Mental Health Dimensions and Guilt Feeling with Marital Commitment in Married People. **Journal of Family Counseling and Psychotherapy**, 1(2), 226-242. [In Persian]

Kite, R. A., . & Raitel, D. (2014). **Social psychology**.

Lavner, J. A., Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2016). Does Couples Communication Predict Marital Satisfaction, or Does Marital Satisfaction Predict Communication?. **Journal of Marriage and Family**, 78(3), 680-694.

Lawrence, E. J., Shaw, P., Baker, D., Baron-Cohen, S., & David, A. S. (2016). The relationship love style and cummiunaction with marital commitment. **Psychological Medicine**, 34, 911-924.

Masters, A. (2008). Marriage, commitment and divorce in a matching model with differential aging. **Review of Economic Dynamics**, 11, 614-628.

McNulty, J. K. W., L. (2013). The Implications of Sexual Narcissism for Sexual and Marital Satisfaction. **Arch Sex Behav**, 42(6), 1021-1032.

Mohammadi B, h. A., Abbasi H. (2016). Predicting Marital Commitment Basid on Marital Intimacy and Forgiveness. **Journal of Rooyesh-e-Ravanshenasi**, 5(3), 31-50. [In Persian]

Momeni, K., Kavooosi Omid, S., Amani, R. (2015). Predicting marital commitment on the basis of differentiation of self, family adaptability and cohesion, and marital intimacy. **Semi-annual Journal of Family Pathology, Counseling and Enrichment**, 1(2), 46-58. [In Persian]

Nejati, A. (2010). **Marital knowledge and effective methods in the treatment of impotence and sexual.** Tehran, Nilofaraneh. [In Persian]

Neto, F. (2001). Love styles of three generations of women. **Marriage & Family Review**, 33, 268-282.

Norisa, M., & Davis, M. H. (2012). Intimacy, passion and commitment in adult romantic relationships: a test of the triangular theory of love. **Journal of Social Personal Relationships**, 9, 21-50.

Patterson, J. M. (2002). Integrating family resilience and family stress theory. **Journal of Marriage and the Family**, 14, 343-310.

Pickover, A. M., Dodson, T.S., Tran, H.N., Lipinski, A.J., & Beck, J.G. (2019). Factor Structure of the Communication Patterns Questionnaire in Violence-Exposed Women. **Journal of Interpersonal Violence**, 00(0), 1-19.

Pickover, A. M., Lipinski, A.J., Dodson, T.S., Tran, H.N., Woodward, M.J., & Beck, J.G. (2017). Demand/ withdraw communication in the context of intimate partner violence: Implications for psychological outcomes. **Journal of Anxiety Disorders**, 52, 95-102.

Rafiee, S., & Jomhory, F. (2019). The Relationship between Marital Betrayal and Love Styles with Couples' Sexual Satisfaction. **Sociology of Education Journal**, 11, 141-149. [In Persian]

Sadeghi, M., Ahmadi, S.A., Bahrami, F., & Etemadi, O. (2014). The Effect of Transactional Analysis Training on Love Styles of Couples. **Journal of Researches of Cognitive and Behavioral Sciences**, 3(2), 71-84. [In Persian]

Samadzadeh, M., Mohammad Reza Shaiari, M., Javidi, N. (2013). Communication Patterns Questionnaire: The Reliability and Validity. **Journal of Family Counseling and Psychotherapy**, 3(1), 125-153. [In Persian]

Shokrollahzade M, M. Y. (2016). The Role of Love and Identity Styles in the Prediction of Marital Satisfaction. **Journal of Family Pathology, Counseling and Enrichment**, 2(1), 79-89. [In Persian]

Skanter, C. D., & Telen, H.F. (2014). **Gender and infidelity: a study of the relationship between conformity to masculine norms and extrarelatinal involvement.** Iowa, IA: University of Iowa.

Smit, J. A., & Siarochi, S.W. (2015). Individual differences in sociosexuality: evidence for convergent and discriminant validity. **Journal of Pers Soc Psychol**, 60(6), 870-883.

Tange, J. (2012). **Attachment and loss**. vol. 2. *Separation*. New York: Basic books

Yousefi, N., Beshlideh, K., Isanejad, O., Etemadi, O., Naser shirbeigi, N. (2011). The Relationship between Loving Styles and Marital Quality Married Couples. **Biannual Journal of Applied Counseling**, 1(1), 21-36. [In Persian]

Marital commitment prediction based on relationship patterns:

Mediator role of love styles

Aylar Kolahdozipour

vahideh Babakhani

Muhammad Ghamari

Jafar Pooyamanesh

Abstract

commitment is considered as one of the important components of successful marriage in which in the case of its absence partners' relationship might not be deep. So the partners would not be able to experience the depth of love and intimacy that are the results of loyalty and commitment. The aim of this study is to predict marital commitment based on relationship patterns with the mediator role of love styles. The method of this research is descriptive- correlative. In order to achieve the goals of this study, among all married female teachers who were teaching at 96-97 at Tabriz state schools, 237 people were selected as sample of this research with multistage cluster sampling. Data are gathered through Communication Pattern Questionnaire(CPQ), Inventory Dimensions of Commitment(ICD) Questionnaire and Triangular Inventory of Love Sternberg Questionnaire and are analyzed through multiple regression test via Spss which is the usual least squares method for calculating path coefficients. There is positive and meaningful correlation between the constructive communication pattern with marital commitment and there is a negative and meaningful correlation between expectation/withdrawal communication pattern and marital commitment. Furthermore, there is positive and meaningful correlation between love styles(intimacy, thrill, commitment) and marital commitment and love styles in fact predict marital commitment. Moreover, love

styles(intimacy, thrill, commitment) have mediator role in a relationship between communication patterns and marital commitment. Regarding the meaningful role of communication patterns and love styles in marital commitment, therapists can investigate communication patterns and love styles in Couple and family consulting.

Keywords: Communication patterns, Marital commitment, Love styles

